

مجله

دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد

سال پنجم

زمستان ۱۳۴۸

شماره چهارم

رضا زمردیان

زبانهای ساختگی^۱

نخستین کسی که ب فکر ایجاد زبان ساختگی افتاد دکارت بود. دکارت در سال ۱۶۲۹ طرح زبانی را ریخت که اساس آن بر اعداد گذاشته شده بود و هر عددی مبین کلمه و مفهومی خاص بود. هنگامی که چنین پیشنهادی از طرف بزرگترین نابغه عصر ارائه شد، پژوهندگان را تشویق به تحقیق و تتبع برای ایجاد زبانهای ساختگی نمود. به همین جهت دیری نگذشت که چندین زبان ساختگی بین المللی بوجود آمد. در سال ۱۶۶۱ زبانی اختراع

۱- در این مقاله اصطلاح زبان ساختگی، در برابر زبان طبیعی بکاررفته، بنابراین بر هر زبان غیر طبیعی می تواند اطلاق شود. به همین جهت در فارسی، زبانهایی را که بین دو یا چند تن معمول است، زبان ساختگی نامیده اند. اما باید دانست که این نوع زبانها با زبانهایی که موضوع این مقاله است تفاوت دارد، زیرا زبانهای اخیر، در حقیقت شکل غلط ادا شده زبانهای

شد بنام دالگارنو^۲ که در آن بامهارت خاصی صامت‌ها و مصوت‌های لاتین و یونانی ترکیب شده بود، به طوری که صامت‌های آغازی معرف طبقه‌ای از اشیاء و مصوت بعدی مبین صفات خاص این اشیاء بود و بهمین ترتیب صامت‌ها و مصوت‌های بعدی هر کدام مفهوم ویژه‌ای را القا میکردند. درست مقارن با همین زمان اسقفی آلمانی بنام ویلکینز^۳ زبانی برای نوشته‌های فلسفی پیشنهاد کرد، که علائم آن شبیه علائم متداول در ریاضی بود، منتها با ارزش فونتیکی خاصی. باز در همین دوره بنام اشخاصی مانند: فرانسیس لودویک^۴ (۱۶۴۷) و کاوبک^۵ (۱۶۵۷) برمی‌خوریم که مخترع زبانهای ساختگی بوده‌اند. کاوبک الفبائی درست کرده بود که از حروف و اعداد ترکیب شده بود. و اعداد آن صدای مشخص و معلومی داشت. مثلاً در این زبان، مفهوم «گرامی پدر و مادرت را» بصورت Le b2314p2477pf2477 نوشته می‌شد و بصورت Lebtoreonfo pitofosensen piftofosensen خوانده می‌شد.

این زبانها بدلیل آن که برای طبقه خاصی از مردم اجتماع، یعنی فلاسفه و دانشمندان ایجاد شده بود و احتیاج به اطلاعات وسیع علمی و فرهنگی داشت جای پا باز نکرد و بفراموشی سپرده شد.

بر رویهم تاروزگار ما در حدود ۵۰۰ زبان ساختگی بین‌المللی اختراع

←

طبیعی است. همچنان که عده‌ای از ایرانیان، زبان یالهجه خود را برای اینکه دیگران نفهمند، بصورت غلط و نفهمیدنی درمی‌آورند. نمونه برجسته این گونه زبانها، زبان «زرگری» است. این نوع زبانها را در نوشته‌ها و فرهنگهای فارسی «لتره»، «لوآتر» و «لوترا» نامیده‌اند. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به مقدمه راهنمای گردآوری گویشها، تألیف آقای دکتر صادق کیسا استاد محترم دانشگاه تهران.

2- Dalgarno

3- Wilkins

4- Francis Lodwick

5- Cave Beck

شده که بعضی از آنها در نهایت مهارت ساخته شده و برخی دیگر ترکیبی از زبانهای ساختگی و زبانهای طبیعی است و در آن ابتکار و فکری بچشم نمی‌خورد.

در اوائل قرن نوزدهم شخصی بنام سودر^۶ در صدد برآمد زبانی ایجاد کند که بر پایه نت‌های موسیقی بنا شده باشد. در اواخر این قرن به زبانهایی برمیخوریم که همه آنها با وجود داشتن نامهای جالبی همچون: بوپال^۷، اسپلن^۸، بالتا^۹ و لاتینس^{۱۰} بدست فراموشی سپرده شده‌اند.

با آغاز قرن بیستم (و کمی قبل از آن) دنباله زبانهای ساختگی ادامه می‌یابد و زبانهایی مانند اسپرانتو^{۱۱}، ولاپوک^{۱۲}، ایدو^{۱۳}، اکسیدانتال^{۱۴}، نویال^{۱۵} و انترلینگوا^{۱۶} بوجود می‌آیند، که غالباً از نظر دستوری، فونولوژی و لفوی بزبانهای رومی شبیهند. از میان زبانهای ساختگی، زبانی که بیش از همه موفقیت کسب کرد و ادامه یافت اسپرانتو بود. این زبان در سال ۱۸۸۷ بوسیله پزشک لهستانی دکتر زامنهوف^{۱۷} اختراع شد. زبانی که از نظر ساختمان دستوری بسیار ساده است و ضمناً بین خط و تلفظ آن اختلافی دیده نمیشود و کلمات آن از زبانهای ژرمنی، یونانی و رومی گرفته شده است. سخن‌گویان باین زبان ادعای کنند که زبانشان، تنها زبان بین‌المللی زنده است که میلیونها نفر در سراسر گیتی بآن سخن می‌گویند. در سال ۱۹۲۱ «انجمن بریتانیائی طرفدار پیشرفتهای علمی» اعلام کرد که زبانی مانند اسپرانتو

6- Soudre

7- Bopal

8- Spelin

9- Balta

10- Latinesce

11- Espéranto

12- Wolapük

13- Ido

14- Occidentale

15- Novial

16- Interlingua

17- Zamenhof

در ارتباطات بین‌المللی بیشتر از هر زبان دیگری می‌تواند مفید واقع شود و حتی تا چندسال پیش بسیاری از مؤسسات علمی، فرهنگی، تجارتي و سیاحتی دنیا از این زبان استفاده می‌کردند و شاید بعضی از آنها هنوز هم استفاده می‌کنند. این زبان از نظر ساختمان دستوری بسیار ساده است و در چندسطر خلاصه می‌شود:

در این زبان اسمها در مفرد به o - در جمع به oz - ، صفتها در مفرد به a - در جمع به az - ، قیدها به e - ، مصدرهای فعل به i - ختم می‌شوند. اجزاء صرفی برای زمان حال: as - ، برای گذشته is - ، برای آینده os - ، برای امری u - میباشد. مثلاً مفاهیم: دوست دارم، دوست داری، دوست دارد، دوست خواهم داشت، که دوست داشته باشم، دوست داشته باش، دوستار به ترتیب (از راست بچپ) miamas , ciamas , liamas , miamos amanta , amu , miamu می‌شود.

اسپرانتو دارای ۲۵ پسوند و ۶ پیشوند است، که این پسوندها با کلمات ناچیز این زبان ترکیب می‌شوند و بتوسعه آنها کمک شایانی می‌نمایند مثلاً پسوندهای ar - , et - , eg - با ریشه arb «درخت» ترکیب می‌شوند و کلمات arbaro «بیشه»، arbareto «مرغزار، بیشه کوچک» و arbarego «جنگل» را بوجود می‌آورند. پیشوند mal - بمعنی ضد و مخالف است و وقتی با کلمه varma «گرم» ترکیب شود malvarma درست میشود که معنی آن «سرد» است و با اضافه کردن پسوندهای et - , eg - بآن، کلمات malvarmeta «خنک، کمی سرد» و malvarmega «خیلی سرد» ایجاد می‌شوند. ضمناً در این زبان تکیه همیشه روی هجای ماقبل آخر واقع می‌شود. هم‌چنین در اسپرانتو یک حرف تعریف وجود دارد و آنهم "la" می‌باشد. پیروان اسپرانتو به مردم جهان پیشنهاد می‌کنند که کوشش کنند تا

هوش و استعداد خود را با خواندن چند سطر از این زبان بیازمایند. نگارنده هم با اینکه با این زبان آشنائی نداشته و مجموعه اطلاعاتش منحصر به منابعی است که برای تهیه این مقاله از آن استفاده کرده، سعی کرده است چند عبارتی را که ذیلاً آورده می شود بفارسی ترجمه کند:

La inteligenta persono lernas la interlingvon Eeperanto rapide kaj facile. Esperanto estas la moderna, kultura lingvo por la internacia mondo. Simpla, fleksebla, praktika solvo de la problemo de la Universala interkompreno. Esperanto meritas Vian Sariozan Konsideron. Lernu la interlingvon Esperanto.

انسان باهوش، سریع و آسان زبان بین المللی اسپرانتو را می خواند. اسپرانتو زبان فرهنگ نو برای جهان کنونی است. ساده، انعطاف پذیر، عملی است و تنها راه حل مسأله تفاهم جهانی است. اسپرانتو لیاقت آنرا دارد که بطور جدی بررسی شود. بخوان زبان بین المللی اسپرانتو را. موفقیت زبان اسپرانتو موجب شد که طرفداران سایر زبانهای ساختگی بر کوشش خود بیفزایند. چنانکه در سال ۱۹۰۲ گروهی از خبرگان زبان ولاپوک (این زبان در فاصله سالهای ۱۸۹۰ - ۱۸۸۵ توسط شخصی بنام شلیر Schelyer ایجاد شد. ولاپوک از نظر لغت انگلیسی ولاتینی بود، اما ساختمان آن به زبان آلمانی شباهت داشت) تصمیم گرفتند در این زبان تجدیدنظر کنند و نقصهای آنرا برطرف سازند. و پس از تجدیدنظر نام آنرا عوض کردند و آنرا ایدیم نوترال^{۱۸} نامیدند. در زبان اسپرانتو هم بعدها عده ای تجدیدنظر کردند و اسپرانتیدو^{۱۹} را ساختند که اسپرانتیدو خلاصه

شد و به‌ایدو^{۲۰} شهرت یافت. از جمله اصولی که در شکل جدید اسپرانتو ملحوظ شد این بود که هر کلمه فقط یک معنی می‌توانست داشته‌باشد و نه بیشتر.

در فاصله سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۵۱ «انجمن کمک به زبان بین‌المللی، نیویورک»^{۲۱} پس از مطالعات فراوان زبانی ایجاد کرده‌است بنام انترلینگوا که با مقایسه اسپرانتو بیشتر جنبه طبیعی دارد تا ساختگی. ساختمان دستوری و لغوی این زبان خیلی نزدیک به زبان لاتین است مخصوصاً ضمائر شخصی مانند: io crea «من ایجاد میکنم»، io creva «من ایجاد میکردم»، io creara «من ایجاد خواهم کرد».

علاوه بر زبانهای یادشده که اساس آنها بر زبان گفتار گذاشته‌شده، زبانهای دیگری نیز وجود داشته که فقط در نوشتن از آنها استفاده‌میشده است و از آن جمله است زبانی که بوسیله یک افسر توپچی ساحلی آمریکا اختراع شد. در این زبان اسمها با اعداد ۱، ۲، ۳، فعلها با اعداد ۴، صفتها با عدد ۵، قیدها با عدد ۶، ضمیرها با عدد ۷، حرفهای عطف و ربط با عدد ۸، حرفهای اضافه با عدد ۹ و زمانهای افعال یا اعداد ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ شروع می‌شوند. هم‌چنین اگر اسمی به عدد مفرد ختم شود مفرد است و اگر به عدد زوج ختم شود جمع است. در این زبان جمله‌ای مانند: «پسریچه سیب سرخ می‌خورد» چنین نمایش داده می‌شود: "5-111-409-10-5-516-2013"

بر این زبانها انتقادهایی شده‌است که مهمترین آنها از این قرار است:
۱- آنطوری که ادعا می‌شود این زبانها بی‌طرف انتخاب نشده‌اند،

20- Ido

21- International auxiliary language association .

چرا که تمام آنها بر اساس یکی از خانواده‌های بزرگ زبانهای دنیا پایه‌گذاری شده‌اند.

۲- فرضاً هم که یکی از این زبانها می‌توانست در دنیا رواج پیدا کند و زبان همه مردم جهان شود، هر ملتی آنرا با لحن خاص خود ادا می‌کرد و در نتیجه پس از مدتی به زبانها و لهجه‌های نوی تغییر شکل می‌داد.

انتقاد نخستین را چنین پاسخ گفته‌اند که انتخاب یکی از خانواده‌های بزرگ زبانهای تمدن و فرهنگ بعنوان شالوده، خود از محاسن این زبانهاست و نه از معایب آن، زیرا که هدف از ایجاد زبانهای ساختگی آسان کردن مشکلات زبانهای موجود بوده و پرواضح است زبانی که از مجموعه خانواده زبانهای دنیا ساخته شود مشکل را بزرگتر می‌کند.

اما برای بررسی انتقاد دوم، باید از نتایج زبان‌شناسی تاریخی کمک گرفت. تا آنجا که زبان‌شناسی تاریخی بما می‌آموزد مردمی که زبان واحدی داشته‌اند و سپس بگروههایی تقسیم شده‌اند و هر گروه مستقلاً بدون ارتباط با گروه دیگر زندگی کرده‌اند، زبان‌شان در طی مدتی اختلاف یافته و بصورت زبانها و لهجه‌های مستقلی درآمده‌است.

اما باید دانست که عکس این حالت هم در تاریخ زبان روی داده‌است، یعنی همین که عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه‌ای قوت گرفته لهجه‌ها در مقابل زبان رسمی ضعیف شده و روبروآل گذاشته‌اند.

از مجموعه آنچه گفته شد چنین نتیجه گرفته میشود که کوشش زبان‌شناسان در ایجاد زبانهای مصنوعی بمنظور یک‌نواخت کردن زبانهای مردم جهان، تاکنون بدلائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بجایی نرسیده‌است. بهمین جهت عده‌ای بر آن شده‌اند که با حک و اصلاح، یکی از زبانهای دنیا را بعنوان زبان بین‌المللی انتخاب کنند، اما هر بار که چنین صحبتی بمیان آمده

هر کشوری زبان خویش را برای این انتخاب مناسب دانسته و از قبول زبان کشور دیگر امتناع ورزیده است .

آنچه نمی‌توان در آن تردید داشت اینست که هیچگاه زبانی بصورت تنها زبان بین‌المللی در همه کشورهای دنیا رواج پیدا نخواهد کرد، ولی از بین زبانهای موجود، مسلماً آن زبانی بین‌المللی خواهد شد، که از نظر علمی، اقتصادی و سیاسی بر دیگر زبانها پیشی بگیرد .

این مقاله از دو کتاب زیر اقتباس شده است :

- 1- Histoire du langage, Mario pei, traduit par Max Gubler 1954, Payot
- 2- Guide alphabétique, Sous la direction d'André Martinet, édition Denoël 1969 .

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی